



بررسی مسائل کشورها

«نظری اجمالی

بر اوضاع

اقتصادی ونزوئلا»

(Mracaibo) کلبه‌های بومیان را مشاهده کرد که بر پایه‌های چوبی در داخل آب بنا شده بودند، این ساحل را ونزوئلا (و نیز کوچک) نامید.

در اواسط سال ۱۹۸۸ جمعیت ونزوئلا حدود ۱۸/۷ میلیون نفر برآورده شده است.^۱ امید به زندگی^۲ در سال ۱۹۸۶، بطور متوسط ۶۹ سال و متوسط نرخ مرگ و میر در همین سال، ۵/۶ در هزار بوده است.

وضعیت کلی:

ونزوئلا با وسعتی معادل ۹۱۲۰۵۰/ کیلومتر مربع در شمال آمریکای جنوبی و در ساحل دریای کارائیب و اقیانوس اطلس قرار گرفته است. هنگامی که دریانوردی بنام امریکو و سپوچی (Americo Vespucci) در انتهای خلیج ماراکایبو

(1): Europa Publications, *The Europa World Yearbook*, Vol.2, 1989 (London: Europa Publication, 1989) P.2912.

سرزمینی که هم اکنون آنرا با نام کشور ونزوئلا می‌شناسیم، ساحلی بوده است که اولین بار در سال ۱۴۹۸، توسط کریستف کلمب در سومین سفر دریایی خود به دنیای جدید، کشف گردید.



کشور دارای سیستم چند نرخی ارز می‌باشد که از چند نرخ دولتی و یک نرخ بازار آزاد تشکیل شده است. در ماه اکتبر سال ۱۹۸۸، نرخ برابری پول این کشور در مقابل دلار آمریکا در بازار آزاد، $\frac{۳۷}{۴}$ بولیوار بوده است.^۱

در کشور ونزوئلا دین رسمی وجود ندارد. اما بیشتر مردم مسیحی و غالباً کاتولیک می‌باشند. که حدود ۹۳ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. زبان مردم ونزوئلا، اسپانیایی است و پایتخت این کشور شهر کاراکاس (Caracas) می‌باشد. واحد پول کشور ونزوئلا بولیوار (BS) است. این

(1): EIU, *Country Profile, Venezuela 1988-89*, (London: EIU, 1988) P.8.

تاریخچه سیاسی:

دولت مستقلی در ونزوئلا تحت ریاست جمهوری خوزه آنتونیو پائز (Jose Antonio Paez) تشکیل گردید.

ونزوئلا تا سال ۱۹۴۵ توسط دیکتاتوری‌های مختلف اداره می‌شد. قانون اساسی جدید ونزوئلا در سال ۱۹۶۱ بتصویب رسید. و سه سال بعد، تیانکورث اولین رئیس‌جمهوری بود که دوران ریاست جمهوری خود را بطور کامل سپری کرد. در انتخابات قانون‌گذاری و ریاست جمهوری در دسامبر سال ۱۹۸۸، کارلوس آندرس پترز (Carlos Andrés Pérez) بعنوان اولین رئیس‌جمهوری که برای بار دوم انتخاب می‌شود معرفی گردید (وی پیش از این در بین سالهای ۱۹۷۴-۷۹ این سمت را عهده‌دار بوده است).

ساخت حکومت: براساس قانون اساسی مصوب سال ۱۹۶۱، ونزوئلا جمهوری فدرال است که از بیست ایالت، دو قلمرو فدرال، یک ناحیه فدرال (شامل پایتخت) و ۷۲ فدرال وابسته تشکیل شده است.^۱

سرزمینی که هم‌اکنون ما آنرا با نام کشور ونزوئلا می‌شناسیم، ساحلی بوده است که اولین بار در سال ۱۴۹۸، توسط کریستف کلمب در سومین سفر دریایی خود به دنیای جدید، کشف گردید.

در سال ۱۵۰۰ میلادی، اسپانیولیها، اولین قرارگاه خود را در یکی از جزایر این کشور بمنظور صید ماهی و مروارید بنا نمودند و در همین زمان هلندیها در شمال غربی ونزوئلا، فلزات گرانبهائی را کشف و آنجا را تصرف کردند، لکن اسپانیائیها در سال ۱۵۴۶ مجدداً این ناحیه را پس گرفتند و سلطه خود را بر سراسر خاک ونزوئلا گسترش دادند. پس از جنگهای بسیاری توسط استقلال‌طلبان با استعمارگران اسپانیایی بر سررھایی این کشور، و شکستهای متعدد، بالاخره در ماه اوت سال ۱۸۲۱ معاهده‌ای میان نیروهای استقلال‌طلب و فرمانده اسپانیایی به امضاء رسید که بموجب آن نیروهای استعمارگر خاک ونزوئلا را ترک کردند.

پس از خروج اشغالگران از این سرزمین، مبارزات داخلی بر سر قدرت در گرفت و بالاخره در ۲۸ دسامبر سال ۱۸۳۰،

(۱). هر فدرال وابسته جزیره‌ای است واقع در دریای کارائیب.

وضعیت اقتصادی:

می آید که این خود امکان گسترش بخشهای صنعتی، کشاورزی و معدنی را فراهم آورده است.

ویژگیهای عمومی و تاریخچه فعالیت‌های اقتصادی:

در یک تحلیل اجمالی از سوی بانک جهانی در مورد عوامل عقب افتادگی اقتصاد ونزوئلا به چهار مورد عمده زیر اشاره شده است:

تا پیش از جنگ جهانی دوم، ونزوئلا عمدتاً یک جامعه روستایی با اقتصادی تک محصولی و ظرفیتهای پایین تولیدی بود.

اول اینکه ونزوئلا یک برنامه منطقی را جهت دستیابی به یک استراتژی رشد و توسعه

بر اساس قانون اساسی مصوب سال ۱۹۶۱، ونزوئلا جمهوری فدرال است که از بیست ایالت، دو قلمرو فدرال، یک ناحیه فدرال (شامل پایتخت) و ۷۲ فدرال وابسته تشکیل شده است.

دنبال ننموده است^۱. یک سلسله سیاستهای متناقض و بی ارتباط با یکدیگر که نمونه بارز آن کنترل‌های بی‌رویه دولتی است، دنبال شده‌اند. قوانین و مقررات دست و پا گیر در کشور و همچنین برقراری سوسیتهای دولتی، بر کل فعالیت‌های اقتصادی تأثیر اساسی نداشته بنحوی که این امر منجر به ایجاد مشکلات ساختنی، کاهش سرمایه گذاری خصوصی و کاهش در محصول سرانه واقعی شده است. تولید کنندگان که به حمایت‌های وسیع دولت عادت کرده‌اند، آنچنان بد سازماندهی شده‌اند که قادر به رقابت در مقابل

لیکن پس از جنگ، این کشور شاهد تحولات اساسی در حرکت به سوی یک جامعه شهری و گسترش بخشهای کشاورزی و صنعت بر مبنای ساختارهای جدید تولیدی بوده است. با افزایش میزان زاد و ولد و مهاجرت، جمعیت کشور از ۴/۲ میلیون نفر در سال ۱۹۴۵ به ۱۸/۷ میلیون نفر در سال ۱۹۸۸ رسید ضمن اینکه جمعیت شهری از ۳۵ درصد در سال ۱۹۴۵ به ۸۷ درصد کل جمعیت در سال ۱۹۸۸ بالغ گردید. درآمد حاصل از صادرات نفت و وامهای خارجی، از منابع مالی مهم این کشور در جهت مدرنیزه کردن و کشف منابع طبیعی بشمار

(۱). این عوامل صرفاً دیدگاههای متعلق به بانک جهانی بوده و منبع دیگری صحت و سقم آنرا تأیید ننموده است.

تولید کنندگان خارجی و یا استفاده بهینه از منابع داخلی خود نیستند.

دوم؛ اقتصاد ونزوئلا وابسته به نفت است، بطوری که در سال ۱۹۸۶ - که قیمت نفت به شدت کاهش یافت - حدود ۹۵ درصد از عواید صادراتی این کشور از طریق فروش نفت تأمین می شده است. با استثنای نفت، اقتصاد این کشور بطور اساسی و متوازن توسعه نیافته و زمینه اشتغال محدودی را در سایر بخشها فراهم آورده است.

سوم، با وجودی که دولت مشکل فقر در کشور را با کنترل نرخ ارز و قیمتها تا حدودی مهار کرد، لیکن این اقدام را برمبنای الگوهای توزیع مجدد درآمد صورت نداده است. شاخص های اجتماعی در ونزوئلا آنهم برای کشوری در آن سطح درآمد، ضعیف است. در این راستا می توان به محله های کثیف و شلوغ شهری، نرخهای بالای مرگ و میر کودکان، سوء تغذیه، بیسوادی و افزایش جمعیت اشاره نمود.

چهارم، علی رغم برنامه های بی شمار، عملکرد مؤسسات و نهادهای دولتی ونزوئلا بطور نسبی ضعیف بوده و همین امر مشکلات اجرایی فراوانی را در برابر استراتژیهای میان مدت توسعه اقتصادی بوجود آورده

است.

سیاست اقتصادی ونزوئلا شدیداً در گرو قیمت های نفت است. وابستگی درآمدهای دولت به صادرات نفت - که در سال ۱۹۸۸ حدود ۷۰ درصد بوده^۱ - تأثیر عمیقی بر اقتصاد این کشور داشته است. ترقی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰، رشد سریعی را در کوتاه مدت فراهم آورد بطوری که دولت برنامه های سرمایه گذاری را به منظور متنوع ساختن فعالیتهای اقتصادی در پیش گرفت و اقدام به برطرف نمودن موانع اجرایی و سیاسی نمود و برنامه هایی را نیز در جهت بهبود خدمات اجتماعی به اجرا درآورد. لیکن بدنبال تشبیت قیمت های نفت و مختل شدن وضعیت تراز تجاری، اجرای این برنامه ها را به تعویق انداخت و ادامه این روند در بلندمدت، دولت را بناچار وادار به تغییر در سیاستهای کلان خود و اجرای سیاست انقباضی نمود، و نتیجه این امر چیزی جز کاهش سرمایه گذاریهای دولتی نبود. این الگوی توقف-تحرک (Stop - go pattern) تا اواسط دهه ۱۹۸۰ که قیمت های نفت همچنان در نوسان بود ادامه داشت بنحوی که تا سال ۱۹۸۵ ونزوئلا مواجه با یک اقتصاد غیرمتعادل توأم با عدم کارایی، بدهی سنگین خارجی و تورم ماهانه

(1): The World Bank, *Report and Recommendation...*, May 22, 1989 (Washington: World Bank, 1989). P.1.



شیرگاه علوم اشراقی مطالعات مرکزی
پرتال جامع علوم اشراقی

با افزایش میزان زاد و ولد و مهاجرت، جمعیت کشور ونزوئلا از $\frac{4}{2}$ میلیون نفر در سال ۱۹۴۵ به $\frac{18}{7}$ میلیون نفر در سال ۱۹۸۸ رسیده ضمن اینکه جمعیت شهری این کشور از ۳۰ درصد در سال ۱۹۴۵ به ۸۷ درصد کل جمعیت در سال ۱۹۸۸ بالغ گردید.

محدودیت‌های کمی، قوانین داخلی، سوئید بر اعتبارات و محدود نمودن نیازهای داخلی، بود.

بدنبال بدتر شدن وضعیت تراز پرداختها در اواخر دهه ۱۹۷۰ (تراز تجاری از یک مازاد $\frac{6}{6}$ میلیارد دلاری در سال ۱۹۷۴ به یک کسری $\frac{5}{2}$ میلیارد دلاری در سال ۱۹۷۸ رسید)، دولت سیاستهای انقباضی را؛ در پیش گرفت بطوری که سرمایه‌گذاری در یک سال ۴۰ درصد کاهش یافت. این نوسانات در سرمایه‌گذاری و سیاستهای مربوطه حاکی از وابستگی شدید این کشور به نفت بود. از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵، تولید ناخالص سرانه همه‌ساله کاهش یافت و در مجموع در انتهای سال ۱۹۸۵، ۲۵ درصد تنزل نمود.

دولت لوسینچی (Lusinchi) سرمایه‌گذاری دولتی را از ۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۵ به ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۶ افزایش داد تا از این طریق بتواند به رشد مورد نظر دست یابد. علی‌رغم افزایش $\frac{6}{8}$ درصد در تولید ناخالص داخلی،

شده بود. علی‌رغم تلاشهای موفقیت‌آمیز در بین سالهای ۱۹۸۵-۸۸، عمق بحران تا اوایل سال ۱۹۸۹ ادامه داشت که نیاز به اصلاحات اساسی و بدور از نوسانات را می‌طلبید. در اوایل دهه ۱۹۷۰ تولید ناخالص داخلی ونزوئلا (با بیش از ۱۱۰۰ دلار درآمد سرانه) بالاترین رقم تولید سرانه در بین کشورهای امریکای لاتین بود. موقعیت خارجی ونزوئلا با ثبات و نرخ بهره بدهی‌های این کشور پایین بود (۷ درصد در سال ۱۹۷۳). در خلال دهه ۱۹۷۰ دولت در صنایع فولاد، آلومینیوم، پتروشیمی و نیروی برق آبی سرمایه‌گذاریهایی را انجام داد و همچنین از بخش خصوصی در جهت توسعه صنایع تولیدکننده کالاهای مصرفی با دوام (صنایع سبک) و کالاهای واسطه‌ای جهت بخشهای صنعت و کشاورزی حمایت می‌نمود. با این وجود تعیین نرخ ارز بر مبنای قیمت نفت منجر به کاهش نسبی در قیمت کالاهای تجاری می‌گردید و موفقیت صنایع هم در گرو سیاستهای دولت من جمله: حمایت در برابر واردات از طریق ایجاد

کاهش قیمت نفت از ۲۶ دلار در هر بشکه در سال ۱۹۸۵ به ۱۴ دلار در سال ۱۹۸۶، یک کسری ۱/۵ میلییارد دلاری را در حساب جاری به ارمغان آورد و نهایتاً دولت را مواجه با کسری بودجه بمیزان ۵ درصد تولید ناخالص داخلی نمود که حاصل همه اینها افزایش نرخ تورم در نیمه دوم سال ۱۹۸۶ بود.

ادامه این روند، وضعیت اقتصادی ونزوئلا را در پایان سال ۱۹۸۸، غیرقابل تحمل نمود، ذخایر کشور به انتها رسیده، واردات بعلت پیش بینی در تنزل ارزش پول، در حال افزایش بود، و بانک مرکزی مواجه با انباشت بدهیهای پرداخت نشده داخلی شده بود. در ژانویه سال ۱۹۸۹، کالاهایی که قیمت آنها کنترل می شد (نظر نان، قهوه، شکر و برنج) کمیاب شده و جامعه در انتظار به قدرت رسیدن رئیس جمهور جدید (کارلوس آندرز پترز) در ماه فوریه بود تا از اقدامات وی و قوانینی که در مورد قیمتها و ارز خارجی اعلام می نماید بهره مند شود. دولت جدید بمنظور سروسامان دادن به وضعیت اقتصادی کشور چندین هدف را بشرح ذیل در صدر برنامه های خود قرار داد که در این جا تنها به ذکر عناوین این اهداف اشاره می کنیم:

- ۱- بازگرداندن تعادل در پارامترهای کلان اقتصادی
- ۲- بهبود در برنامه ریزی و اجرای سرمایه گذاری دولتی
- ۳- افزایش کارایی شرکتهای دولتی
- ۴- کاهش «انحرافات»^۲
- ۵- اصلاح سیستم تجاری
- ۶- کاهش فقر

میزان تولید ملی و چگونگی رشد آن:

همانگونه که اشاره شد، وجود مشکلات ساختاری، وابستگی بسیار شدید به درآمدهای نفتی، بالا بودن ارزش پول کشور و فقدان یک سیستم ارزی مناسب و عدم بکارگیری سیاستهای موثر از سوی دولت از جمله عواملی هستند که همواره تولید ملی در این کشور را تحت الشعاع خود قرار داده اند. پس از رشد سریعی که در خلال سالهای ترقی قیمت نفت (۱۹۷۴-۷۷) بدست آمد و بطور متوسط حدود ۷/۲ درصد بود، تولید واقعی در این کشور در سال ۱۹۷۸ وارد رکود مزمین و بلند مدتی گردید تا جایی که حتی افزایش عمده دیگری که در سال ۱۹۷۸-۷۹ در قیمتهای جهانی نفت رخ داد، باز هم نتوانست این رکود را برطرف

(1): Carlos Andres Perez.

(2): Distortions.

سیاست اقتصادی و نزوئلا شدیداً در گرو قیمت های نفت است. وابستگی درآمدهای دولت به صادرات نفت - که در سال ۱۹۸۸ حدود ۷۰ درصد بود - تأثیر عمیقی بر اقتصاد این کشور داشته است.

به ۳ و ۴/۳ درصد رسید^۱.

چگونگی تغییرات شاخص قیمتها

روند رشد قیمتها در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ معقولانه و با ثبات بوده است. اما فشارهای تورمی از سال ۱۹۸۰ (بدنبال کاهش کنترل قیمتها و تنزل ارزش بولیوار در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۶) آغاز گردید. با این وجود کنترل قیمتها هنوز در سطح وسیعی وجود داشت و سیاستهای پولی انقباضی و خودداری داوطلبانه از افزایش دستمزدها توسط اتحادیه کارگری (سیاستهای درآمدی)^۲ به ثبات نرخهای تورم و کاهش آن تا سال ۱۹۸۷ کمک نمود، لیکن در سال ۱۹۸۷ (بعلت تنزل ارزش رسمی پول در سال ۱۹۸۶) دستمزدها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافت و کسری زیاد در هزینه های دولتی مزید بر علت شد تا افزایش در شاخص قیمتهای مصرف کننده بمیزان ۴۰/۳ درصد بوجود آید. این روند رشد

نماید. تولید ناخالص داخلی در این سال تنها ۲/۱ درصد رشد داشت و این رقم در سال بعد نیز کاهش یافت و به ۱/۳ درصد رسید. از سال ۱۹۸۰ به بعد وضعیت اقتصادی و نزوئلا بدتر شد (باستثنا سال ۱۹۸۲ که رشد مثبت اندکی معادل ۰/۷ درصد در تولید ناخالص داخلی به قیمت واقعی بدست آمد) و تا سال ۱۹۸۴، رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت های واقعی در این کشور منفی بود. بیشترین رقم این کاهش مربوط به سال ۱۹۸۳ می باشد که معادل ۵/۶ درصد بوده است. در سال ۱۹۸۵ مسئولین اقدام به اجرای سیاست انبساطی مالی (افزایش هزینه های دولتی) نمودند و این سیاست در سال ۱۹۸۶ - علی رغم کاهش شدید در قیمتهای نفت - دنبال گردید و حاصل آن افزایش بسیار مطلوب در تولیدات غیرنفتی در رشد مثبتی معادل ۶/۸ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت واقعی بود. اگر چه این رشد مثبت در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ کاهش یافت لیکن هنوز قابل ملاحظه بود و بترتیب

(1): Europa Publication Ltd, *The Europa World Yearbook, Vol2, 1989* (London: Europa Pub., 1989) P.2911.

(2): Income Policy

جدول شماره (۱) روند تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت و جاری طی سالهای ۱۹۸۳-۸۷

سال	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	شرح
کل (میلیارد بولیوار):						
به قیمت های جاری	۳۴۲/۳	۴۰۹/۵	۴۶۴/۶	۴۹۳/۸	۷۱۹/۴	
به قیمت ثابت سال ۱۹۸۴	۴۱۵/۱	۴۰۹/۵	۴۱۴/۸	۴۴۳/۱	۴۵۶/۵	
رشد واقعی (درصد)	-۵/۶	-۱/۳	۱/۳	۶/۸	۳	
تولیدات غیرنفتی (میلیارد بولیوار):						
به قیمت جاری	۲۷۲/۴	۳۰۳/۹	۳۷۹/۶	۴۳۲/۴	۶۱۷/۷	
به قیمت ثابت سال ۱۹۸۴	۳۰۸/۵	۳۰۳/۹	۳۱۳/۷	۳۳۶	۳۵۰	
رشد واقعی (درصد)	-۵/۷	-۱/۵	۳/۲	۷	۴/۲	
درآمد سرانه (بولیوار):						
به قیمت ثابت سال ۱۹۸۴	۲۵۳۱۵	۲۴۳۰۲	۲۳۹۴۶	۲۴۹۰۷	۲۴۹۸۸	
رشد واقعی (درصد)	-۸/۲	-۴	-۱/۵	۴	۰/۳	

مأخذ: EIU, *Country Profile, Venezuela... 1988-89*, (London: EIU, 1988-89).

در سال ۱۹۸۸ تا اندازه ای کاهش یافت و به ۲۷/۶ درصد تا دسامبر ۱۹۸۸ رسید.

سیاستهای قیمت و کنترل آن: (Administered) و ۳- قیمت های آزاد. قیمت های کنترل شده برای بعضی از کالاهای اساسی توسط وزارت توسعه (Ministry of Development) تعیین می گردند.

سیاستهای کنترل قیمت که در اوت سال ۱۹۷۴ اتخاذ گردید، قیمت ها را در سه گروه طبقه بندی نمود: ۱- قیمت های کنترل شده ۲- قیمت های نظارت شده

سیاستی که در اوت سال ۱۹۷۹ به اجرا درآمد در جهت آزادسازی قیمت ها بود که

سیاستهای کنترل قیمت که در اوت سال ۱۹۷۴ اتخاذ گردید، قیمتها را در سه گروه طبقه‌بندی می‌نماید: ۱- قیمت‌های کنترل شده ۲- قیمت‌های نظارت شده و ۳- قیمت‌های آزاد.

در این راه موفق بوده است زیرا از روشهای مختلفی در جهت حمایت از نیروی کار نظیر کنترل قیمت‌ها، برقراری سوبسید بر مواد غذایی برای خانواده‌های با درآمد پایین، استفاده نموده است.

سیاستهای اشتغال و سطح دستمزد:

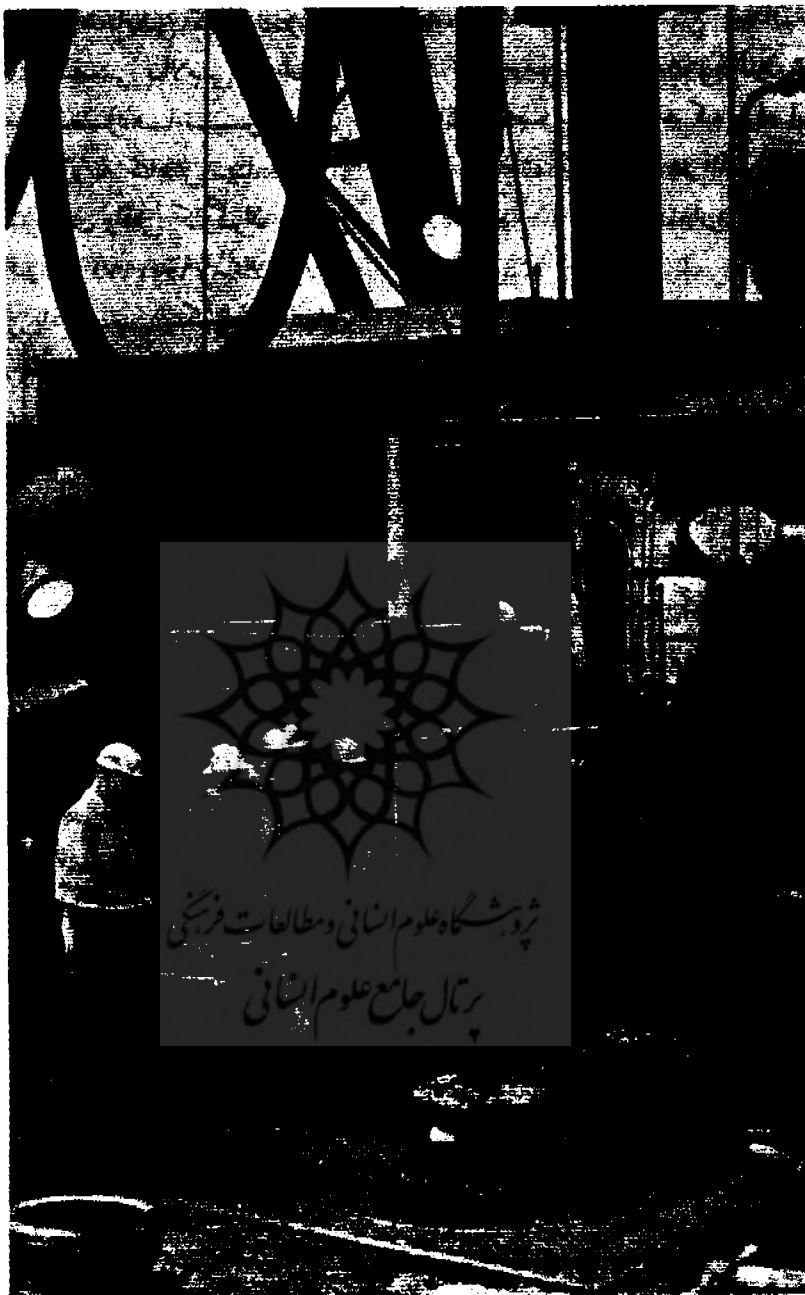
دولت در فوریه سال ۱۹۸۵ حداقل سطح دستمزد شهری را از ۹۰۰ بولیوار در ماه به ۱۵۰۰ بولیوار و مجدداً در دسامبر سال ۱۹۸۶ به ۲۰۱۰ بولیوار در ماه افزایش داد. حداقل سطح دستمزد روستایی از ۷۵۰ بولیوار در ماه به ۱۲۰۰ بولیوار در نوامبر سال ۱۹۸۴ افزایش یافت و به سطح ۱۵۰۰ بولیوار در دسامبر ۱۹۸۶ رسید. در سال ۱۹۸۶ برطبق برآورد وزارت کار، ۱/۲ میلیون نفر (۹۰۰ هزار نفر در شهرها و ۳۰۰ هزار نفر در سطح روستا) مشغول بکار بوده و از حداقل دستمزد برخوردار گردیده‌اند. در بین سالهای ۱۹۸۱-۸۵ سهم کارگران شهری در کل نیروهای کار- که کمتر از حداقل دستمزدها را دریافت می‌نموده‌اند- از ۱۶ درصد به

کاهش‌هایی را در تعدادی از قیمت‌های کنترل شده و نظارت شده بدنبال داشت. آزادسازیهایی بیشتر قیمت‌ها که در سالهای بعد بوقوع پیوست، تعداد کالاهایی که مشمول کنترل قیمت می‌شدند را به ۳۰ کالا کاهش داد. این تعداد مجدداً در دسامبر سال ۱۹۸۶ به ۱۰۴ کالا و در مارس سال ۱۹۸۷ به ۱۰۹ کالا افزایش یافت.

سطح دستمزدها:

یک عامل بسیار مهم در تعیین سطح دستمزدها، قدرت اتحادیه‌های کارگری در بخش‌های صنعت و نفت و بخش دولتی است. این بخشها از دستمزدهای بالایی برخوردارند و حمایت شغلی قابل ملاحظه‌ای از آنها می‌شود (بویژه از طریق اتحادیه‌های کارگری نیرومندان). مهمترین حامیان این گروه: کنفدراسیونی^۱ است که وابسته به حزب اقدام‌دموکراتیک (AD) می‌باشد. دولت همواره در تلاش بوده است تا حمایت این اتحادیه‌ها را بمنظور جلوگیری از افزایش دستمزدها بخود جلب نماید و تا اندازه‌ای نیز

(1): Confederacion de Trabajadore de Venezuela (CTV)



۲۵ درصد افزایش یافته است.

در طی دوره‌هایی که ونزوئلا از درآمدهای نفتی بالایی برخوردار بوده، و دستمزدها نیز افزایش ولی پس از آن روبه کاهش نهاده است. متوسط دستمزدهای واقعی کارگران صنعتی در بین سالهای ۱۹۷۱-۷۹ سالانه ۱/۷ درصد افزایش یافته ضمن اینکه بین سالهای ۱۹۷۹-۸۵ بطور متوسط سالانه ۱/۹ درصد کاهش داشته است. در مقابل حقوق واقعی کارمندان در بین سالهای ۱۹۷۱-۷۹ بطور متوسط سالانه ۱/۹ درصد افزایش و در بین سالهای ۱۹۷۹-۸۵، ۵/۸ درصد کاهش داشته است.

قانون دو برابر نمودن غرامت که در سال ۱۹۷۴ مورد موافقت قرار گرفت، بدین صورت است که کارگری که از کار برکنار می‌شود، به ازاء هریکسال سابقه کار، ۱۵ روز دستمزد خود را به عنوان غرامت دریافت می‌کند که براساس قانون جدید به دو برابر افزایش یافته است. قانونی در ژوئیه سال ۱۹۸۶ به حمایت از شرایط کار بتصویب رسید. اهداف این قانون در بهبود شرایط بهداشتی در محل کار و حمایت بیشتر در مقابل خطرات مرتبط با کار است. همچنین در این قانون پیش‌بینی شده است که

چنانچه حادثه‌ای در حین انجام کار بوجود آید، مالک شرکت را محکوم به زندان نماید. در آوریل سال ۱۹۸۷، قانون شماره ۱۵۳۸ بتصویب رسید که براساس آن، دستمزدهای کارگران را در قالب پاداشهایی تا سقف ۲۰ هزار بولیوار در ماه افزایش می‌داد.

سهم هریک از بخشهای مختلف اقتصاد در تولید ملی:

بخش نفت که شامل نفت خام، گاز طبیعی و فعالیتهای مربوط به پالایش نفت و مشتقات آن می‌شود، بزرگترین سهم را در تولید ناخالص داخلی ونزوئلا داشته لیکن این سهم در سالهای اخیر بدلیل کاهش تولید و قیمت‌های پایین، روبه کاهش بوده است. بالاترین سهم بخش نفت در تولید ناخالص داخلی (بقیمت‌های جاری) مربوط به سال ۱۹۷۴ می‌باشد که ۳۹/۸ درصد بوده و از این سال به بعد این سهم روبه کاهش نهاده است؛ بنحوی که در سال ۱۹۷۸ به ۲۰/۸ درصد رسیده است. براساس برآوردهای انجام شده، در سال ۱۹۸۷ سهم نفت در تولید ناخالص داخلی ونزوئلا، ۱۴/۱ درصد بوده است.^۲

(1): The World Bank, *Country Economic Report...*, Paurt1 March 3, 1988 (Washington D.C. 1989) P.84.

بر اساس برآوردهای انجام شده، در سال ۱۹۸۷ سهم نفت، کشاورزی و صنعت از کل تولید ناخالص داخلی بترتیب ۱۴/۱، ۵/۹ و ۱۶/۷ درصد بوده است.

اما این نرخ در دهه ۱۹۸۰ روبه افزایش گذاشت و در بین سالهای ۱۹۸۰-۸۵ متوسط این سهم به ۱۲/۵ درصد رسید ضمن اینکه در سال ۱۹۸۷ سهم بخش صنعت، ۱۶/۷ درصد تخمین زده شده است.

تا سال ۱۹۸۵ پس از بخش نفت، بالاترین سهم را در تولید ناخالص داخلی، بخش خدمات مالی عهده دار بوده بطوری که در سال ۱۹۸۶ این سهم ۱۶/۹ درصد اعلام شده است.

سهم بخش ساختمان از اوایل دهه ۱۹۸۰ بشدت کاهش یافته و از ۵/۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳/۷ درصد در سال ۱۹۸۶ رسیده است. از سال ۱۹۸۷ بدلیل افزایش هزینه‌های بخش دولتی در امر ساختمان‌سازی سهم این بخش بهبود یافته و در این سال ۴/۸ درصد برآورد شده است.

حجم و ترکیب اشتغال در بخشهای مختلف اقتصاد:

به موازات رشد جمعیت در ونزوئلا، نیروی کار نیز از رشد سریعی برخوردار بود. و

برخلاف سایر کشورهای امریکای لاتین بخش کشاورزی نقش نسبتاً اندکی را در تولید ناخالص داخلی این کشور ایفا می‌نماید. از اوایل دهه ۱۹۷۰ سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی روبه کاهش گذاشته و از ۷/۱ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۵/۵ درصد در سال ۱۹۷۶ رسیده و پس از یک افزایش نیم درصدی در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ مجدداً تا سال ۱۹۸۰ روبه کاهش بوده است. آغاز دهه ۱۹۸۰ حاکی از افزایش سهم بخش کشاورزی میباشد بنحوی که از ۵/۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۸/۹ درصد در سال ۱۹۸۶ - که رقمی بی‌سابقه در دهه اخیر می‌باشد - رسیده است. لیکن سهم این بخش در سال ۱۹۸۷ مجدداً کاهش یافته و ۵/۹ درصد برآورد گردیده است.

سهم بخش صنعت تحت تأثیر افزایش تولید در صنایع اساسی و مشوقهای ایجاد شده در تولید کالاهای تجاری - که با تنزل دادن ارزش پول کشور همراه بوده - در سالهای اخیر رشد یافته است. طی دهه ۱۹۷۰ متوسط سهم بخش صنعت حدود ۱۱/۸ درصد بود.

سهم قابل ملاحظه‌ای از فعالیتهای اقتصادی در ونزوئلا بعهده بخش عمومی است. ضمن اینکه در بین سالهای ۱۹۷۸-۸۵ متوسط درآمدها و هزینه‌های بخش عمومی ۳۸ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است.

سهم هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌ای در تولید ملی

یکی از پیامدهای چشمگیر رکود در دهه ۱۹۸۰، کاهش شدیدی بود که در سرمایه‌گذاری در سطح کشور رخ داد. بطوری که از ۳۱/۷ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۷۹ به ۱۴/۵ درصد در سال ۱۹۸۴ رسید. این رقم در سال ۱۹۸۷ به ۱۹/۴ درصد بالغ گردید که عمدتاً بوسیله بخش دولتی سرمایه‌گذاری شده بود.

مصرف خصوصی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ با افزایش قیمت‌های نفت همچنان بالا نگه داشته شده بود در سال ۱۹۸۳ بشدت کاهش یافت لیکن بعدها با بهتر شدن اوضاع اقتصادی بهبود یافت در سال ۱۹۸۷ سهم هزینه‌های مصرفی خصوصی در تولید ناخالص ملی، ۶۶/۷ درصد (بمیزان ۴۶۶/۸ میلیارد بولیوار بقیمت جاری) بوده است.

ویژگیهای اصلی بودجه دولت:

سهم قابل ملاحظه‌ای از فعالیتهای

در بین سالهای ۱۹۸۳-۸۷ سالانه بیش از ۳ درصد رشد داشت. سهم بخش کشاورزی در کل اشتغال در فاصله دو دهه اخیر بشدت کاهش یافته و از ۲۲/۹ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۱۳ درصد در سال ۱۹۸۷ رسیده است. با این وجود این رقم در سال ۱۹۸۸ اندکی افزایش یافت و به ۱۳/۴ درصد رسید. ضمن اینکه در این سال کل شاغلین بخش کشاورزی حدود ۸۴۷ هزار نفر بود. از این میان بخش دولتی حدود ۱/۰۹ میلیون نفر از نیروی کار را در خود جذب نمود، که بالغ بر $\frac{1}{8}$ کل نیروی کار شاغل در این کشور بود. طی سال مذکور صنعت نفت علی‌رغم حاکمیتش در فعالیتهای اقتصادی نیروی کار زیادی نداشت (حدود ۴۴ هزار نفر) و تنها ۰/۷ درصد از نیروی کار را در برمی‌گرفت. بخش بازرگانی علی‌رغم اینکه از اوایل دهه ۱۹۸۰، سهم روبه‌کاهشی از شاغلین کل کشور را داشت (از ۲۱/۶ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۷/۹ درصد سال ۱۹۸۷ رسید)، لیکن این سهم همچنان بالاترین سهم شاغلین را در بین مشاغل مختلف دارا بود. طی سال ۱۹۸۸ کل نیروی کار شاغل در این کشور حدود ۶/۳ میلیون نفر بوده است.

جدول شماره (۲) ساختار جمعیت فعال اقتصادی ونزوئلا طی سالهای ۱۹۸۶-۸۸

۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	
۸۴۶۸۲۵	۸۴۴۷۷۵	۸۸۸۸۱۴	کشاورزی - جنگلداری و ماهیگیری
۶۶۴۷۶	۶۱۴۶۸	۶۶۱۰۳	معادن
۱۱۰۰۵۴۶	۱۰۵۲۳۶۶	۹۶۷۶۴۳	صنعت
۶۷۷۱۸	۶۵۰۱۹	۵۹۲۸۶	برق و آب و گاز
۵۹۳۰۴۰	۵۷۸۹۱۲	۵۴۸۵۴۱	ساختمان
۱۱۵۶۹۹۴	۱۱۸۲۶۷۱	۱۱۵۶۱۵۷	بازرگانی، هتلداری و رستوران
۳۹۷۵۱۴	۳۸۱۶۱۹	۳۷۳۰۲۰	حمل و نقل و ارتباطات
۳۴۷۱۸۰	۳۴۸۰۳۷	۳۱۲۲۷۴	امور مالی، بیمه، اموال غیرمنقول و خدمات تجاری
۱۶۹۶۸۴۴	۱۶۱۳۹۴۵	۱۵۵۷۰۴۴	خدمات فردی و اجتماعی
۲۳۰۷۹	۳۳۱۸۸	۲۵۰۸۷	معالیه‌های تعریف نشده
۶۴۹۶۱۰۶	۶۱۴۲۰۰۰	۵۱۴۳۹۶۹	کل نیروی کار

مأخذ:

Europa Publication, *The Europa World Yearbook, 1989*, (London: Europa Publication, 1989).

اقتصادی در ونزوئلا بعهده بخش عمومی است. در بین سالهای ۱۹۷۸-۸۵ متوسط درآمدها و هزینه‌های بخش عمومی، ۳۸ درصد تولید ناخالص داخلی بوده ضمن اینکه طی همین دوره سهم درآمدهای جاری در تولید ناخالص داخلی بین ۳۴ تا ۴۱ درصد متغیر بوده است. در مقابل سهم هزینه‌ها در تولید ناخالص داخلی بین ۴۳ درصد در سال ۱۹۷۸ و ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۵ در نوسان بود که این امر عمدتاً بعلت تغییر در سرمایه‌گذاریه‌های بخش دولتی می‌باشد. طی سالهای ۱۹۷۸-۸۶ درآمدهای مالیاتی دولت بین ۷ تا ۸ درصد تولید ناخالص داخلی را بخود اختصاص داده و سایر درآمدها از طریق بخش نفت، شرکتها و مؤسسات مختلف دولتی تأمین شده است. دریاقتیه‌ای

به موازات رشد جمعیت در ونزوئلا نیروی کار نیز از رشد سریمی برخوردار بوده بطوری که در بین سالهای ۱۹۸۳-۸۷ سالانه بیش از ۳ درصد رشد داشته است.

در مالیات بر تمبر بود نیز بدست آمد. بعلاوه در سال ۱۹۸۶ با منظور کردن سرمایه گذارهای به تعویق افتاده در برنامه سرمایه گذاری سه ساله ویژه ای که دولت تدارک دیده بود، سرمایه گذاری دولتی بر طبق برنامه از ۸/۳ میلیارد بولیوار در سال ۱۹۸۶ به ۱۷/۶ میلیارد بولیوار در سال ۱۹۸۷ افزایش یافت.

علی رغم افزایش در درآمدها که همراه با تغییر در نظام نرخ ارز و افزایش قیمت های نفت - که در سطح ۱۵/۵ دلار برای هر بشکه - طرح ریزی شده است، انتظار می رود که کسری بودجه دولت بدلیل افزایش در دستمزدهای مشاغل دولتی و سوبسیدهای جدید اعطایی به مجتمع های کشت و صنعت (بدنبال اصلاحات صورت گرفته در دسامبر سال ۱۹۸۶) همچنان در سطح ۵ درصد تولید ناخالص داخلی باقی بماند.

بدنبال بحران اخیر در خلیج فارس و اشغال کویت توسط عراق در ماه اوت ۱۹۹۰ و قطع صادرات نفت این دو کشور و متعاقباً افزایش قیمت های جهانی نفت از تاریخ مذکور، ونزوئلا بعنوان تولید کننده عمده نفت در آمریکای لاتین و عضو سازمان اوپک از این افزایش قیمت نفت بهره مند شده است.

ناخالص بدست آمده از بخش نفت که بین ۴۳ تا ۶۵ درصد از کل درآمدهای دولت را در بر می گیرد، اهمیت این بخش را روشن می سازد.

در سال ۱۹۸۲ بخش عمومی با کسری بودجه ای معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی مواجه بوده است. بخش اعظمی از این کسری از طریق وام خارجی تأمین گردید. با این وجود اخذ وام از سیستم بانکی داخلی نیز افزایش یافته و در سال ۱۹۸۳ نقش اصلی را در تأمین کسری بودجه دولت ایفاء نموده است پس از اینکه دولت در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ مواجه با مازاد بودجه گردید، مجدداً در سال ۱۹۸۶، کسری بودجه دولت به ۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسید.

در بررسی وضعیت درآمدها و هزینه های بخش عمومی، عوامل خارجی و تدابیر بکار گرفته شده بیش از اصلاحات دسامبر سال ۱۹۸۶ مؤثر بوده اند. عامل اصلی خارجی افزایش درآمدهای نفتی با توجه به افزایش قیمت های صادراتی نفت (از ۱۲/۸۹ دلار برای هر بشکه در سال ۱۹۸۶ به ۱۵ دلار در سال ۱۹۸۷) بود. همچنین درآمدهایی که حاصل اصلاحات مالیات بردرآمد و افزایش

درآمدها، ونزوئلا را قادر خواهد ساخت که تا حدودی به وضعیت نابسامان اقتصادی خود سروسامان دهد.

با اعلام اضافه تولیدی حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز از سوی این کشور، می‌توان انتظار داشت که درآمد نفتی ونزوئلا حدود ۲/۴ میلیارد دلار افزایش یابد^۱. این افزایش در

(۱). وزارت نفت، نفت و اقتصاد، نشریه امور بین‌المللی، شماره ۱۲۴ (مهرماه ۱۳۶۹).

منابع و مآخذ:

لاتین:

- (1): EIU, *Country Profile, Venezuela, 1988-89*, London, EIU, 1988.
- (2): Europa Publications, *The Europa World Yearbook*, Vol.2 1989, London: Europa Publication 1989.
- (3): The World Bank, *Report and Recommendation* May 22, 1989, Washington D.C: World Bank, 1989.
- (4): The World Bank, *Country Economic Report*, Part 1 March 3, 1989, Washington D.C, 1989.

فارسی:

۱- وزارت نفت، نفت و اقتصاد، نشریه امور بین‌الملل، شماره ۱۲۴، مهرماه ۱۳۶۹.